

- ۱- سیاست‌های آمریکا در غرب آسیا
- ۲- مسائل داخلی رژیم صهیونیستی و مسائل داخلی آمریکا
- ۳- محور مقاومت، حوزه خلیج فارس، اروپا، قفقاز و آسیای میانه
- ۴- موضوعات مربوط به سیاست داخلی و خارجی ایران، برجام، اعتراضات مردمی و رهبری
- ۵- تئوری‌های منتشر شده از سوی فعالان و مقام‌های سیاسی جهان



قدرت ایران درهم شکسته است!

همچنین قانون جدیدی را وضع کرد که ایران را از مصونیت بیشتری برخوردار می‌کند.

تا اواخر ماه ژانویه امسال، زمانی که پهنای ایرانی سه سرباز آمریکایی را در اردن کشت، هیچ اقدام تلافی جویانه‌ای از سوی آمریکا علیه جمهوری اسلامی صورت نگرفت. اسرائیل نیز تابع حکومت اوپاما بود. در روز ۱۳ آوریل، ایران ۱۷۰ پهپاد، ۳۰ موشک کروز و ۱۲۰ موشک بالستیک را علیه دولت یهود پرتاب کرد. جیک سالویان، مشاور امنیت ملی آمریکا و یکی از مقامات سابق اوپاما تلویحاً تهدید کرد که در صورت تلافی اسرائیل، کمک‌های نظامی آمریکا را از دست خواهد داد.

ادامه در صفحه ۲

ایران منهدم کرد، حتی یکی از هواپیماهای آن نیز به چالش کشیده نشد. حکومت ایران که حتی در پایتخت خود نیز آسیب‌پذیر است، ضعیف‌تر از همیشه است و اکنون، شاید طوفان انقلابی که دیکتاتوری اسد را در بر گرفت، می‌توانست تا تهران بوزد و ایرانیان را با بان بنیادگرای خود را کنار بزنند. اسطوره قدرت ایران که از قضا توسط خود آمریکا جار زده می‌شد، درست در آغاز دوره ریاست جمهوری باراک اوپاما به اوج خود رسید؛ اوپاما با آگاهی از اتفاقاتی که برای بوش در زمان دستور حمله به عراق رخ داده بود، دوره ریاست جمهوری خود را با عذرخواهی به خاطر حمایت قبلی آمریکا از شاه آغاز کرد و فراتر از نشان دادن پشیمانی نسبت به گذشته،

آن هرد

ادوارد لوتواک |

دمشق سقوط کرده است؛ تهران مدت‌ها بود که دیکتاتوری اسد را در کنار شبه‌نظامیان حزب الله در لبنان، بزرگ‌ترین ارتش غیردولتی روی زمین، در قدرت نگه داشته بود، اما از اواخر ماه سپتامبر، اسرائیل حسن نصرالله را در یک سری حملات مختلف منهدم کرد و پاسخ ایران پرتاب موشک‌های بالستیک علیه اسرائیل بود که موشک‌هایش به خوبی رهگیری شدند.

اما هنگامی که نیروی هوایی اسرائیل روز ۲۶ اکتبر ضد حمله را انجام داد و اهدافی را در بیش از ۲۰ نقطه در سراسر



هشدار رئیس ناتو درباره
درگیری احتمالی پوتین با اروپا



تجربه رزمی؛ برتری آمریکا
نسبت به ارتش چین



تغییر نظم جهانی توسط
چند جانبه‌گرایی خرد

قدرت ایران در هم شکسته است!



حوادث سوریه به ایران سرایت می‌کند؟

جروزالم پست هرب کینون |

رهبر ایران، در روز ۲۵ سپتامبر، یک هفته پس از انفجار پیجرها و پخش کننده‌های صوتی در دستان نیروهای حزب الله در سراسر لبنان، در توییتر نوشت: «حزب الله پیروز است».

دو روز بعد، رهبر حزب الله و حامی آن، حسن نصرالله، ترور شد.

پس از فروپاشی نظام اسد، ایران در صدر فهرست بازنده‌ها قرار دارد و پس از آن حزب الله قرار دارد. روسیه که کمتر از ایران از اسد حمایت کرده بود، اما سرمایه‌گذاری اش در این کشور و حزب الله به اندازه ایران نبود، در رتبه سوم قرار دارد.

باخت ایران سرسام‌آور است. سقوط اسد تاج مقاومتی را که ایران بیش از ۳۵ سال صرف ساخت آن به عنوان موازنه‌ای در برابر اسرائیل و نفوذ آمریکا در منطقه کرد، فرو ریخت.

مطمئناً، حوثی‌ها همچنان باقی مانده‌اند، اما مانند شبه‌نظامیان عراقی، و حزب الله بسیار ضعیف شده‌اند. انسجام، ابزار استراتژیک و قدرت ایدئولوژیکی که زمانی شبکه نیابتی منطقه‌ای ایران را تعریف می‌کرد، کاملاً از بین رفته است.

اینکه توانایی ایران برای قدرت‌نمایی در منطقه به شدت کاهش یافته و طرح‌های هژمونیک آن سال‌ها عقب افتاده، برای همه روشن است. این به تأثیر سقوط اسد بر سیاست خارجی ایران مربوط می‌شود. سقوط اسد نشان‌دهنده یک شکست استراتژیک مهم برای ایران است، و همچنین احتمالاً تأثیر داخلی زیادی نیز خواهد داشت.

اسد مورد نفرت میلیون‌ها هموطن خود بود و سقوط او را جشن گرفتند. به همین ترتیب، رهبر ایران مورد نفرت میلیون‌ها هموطن خود است.

ایران کشوری بسیار بزرگ‌تر با ارتش قوی و سرویس امنیت داخلی است و نیروهای اپوزیسیون در آنجا از هم پاشیده و فاقد رهبری مرکزی هستند. اتفاقی که در سوریه افتاد قطعاً روحیه نیروهای مخالف این کشور را تقویت خواهد کرد.

تغییر پویایی منطقه، همراه با بازگشت دونالد ترامپ، در کمتر از یک ماه آینده، می‌تواند وضعیت داخلی را برای دولت ایران پیچیده‌تر کند.

<https://B2n.ir/t86132>

با این حال، هیچ مقدار فشار آمریکا نمی‌تواند شکست نهایی حزب الله توسط اسرائیل را متوقف کند. در روز ۲۷ سپتامبر با کشته شدن حسن نصرالله در کنار فرماندهی عالی او یک سقوط عظیم قدرت برای ایران شروع شد. واکنش ایران، چند روز بعد، عظیم بود؛ بیش از ۱۹۰ موشک بالستیک، هر یک به اندازه یک کامیون تانکر سوخت پرتاب شد و اگر سیستم رهگیری منحصر به فرد اسرائیل نبود، ممکن بود هزاران نفر کشته شوند.

یک بار دیگر، سالیون سعی کرد جلوی انتقام اسرائیل را بگیرد، اما این بار شکست خورد. در تاریخ ۲۵ اکتبر، اسرائیل حملات هوایی را انجام داد که میزان ضعف ایران را آشکار کرد. هواپیماهای ارتش اسرائیل به میل خود به اهداف ایرانی، از جمله یک مقر تولید موشک در پایگاه فوق سری پارچین، تنها در ۱۹ مایلی تهران، حمله کردند. همین کافی بود تا به دشمنان ایران ثابت شود که هیچ قدرت واقعی در پشت نمای برتری استراتژیک ایران وجود ندارد.

سقوط ایران به دست محمد الجولانی، رئیس هیئت تحریر شام ادامه یافت تا قدرت باقیمانده ایران را نیز منهدم کند. او حلب را به عنوان هدف خود انتخاب کرد که از نظر تاریخی مهم‌ترین شهر سوریه و دومین شهر از نظر جمعیت پس از پایتخت آن دمشق است. جنگجویان رنگارنگ الجولانی تنها با چند کامیون سبک و جیب می‌توانستند توسط چند صد سرباز آموزش دیده متوقف شوند، اما نه حزب الله و نه سپاه پاسداران ایران نتوانستند واکنشی نشان دهند. حزب الله دیگر هیچ واحد بزرگی ندارد که بتواند از مرزهایش برای مبارزه با شورشیان در سوریه استفاده کند.

این امر باعث شد که ایران اصلاً گزینه‌های واکنش سریع نداشته باشد؛ هیچ فرودگاه دیگری به طور امن در اختیار نیروهای در حال سقوط اسد نبود. همچنین ایران نمی‌توانست خطر انتقال نیروها به سوریه از طریق زمین را به جان بخرد. حتی شبه‌نظامیان شیعه ایران، با ده‌ها هزار مرد مسلح، نمی‌توانستند عبور و مرور خود را در شمال شرق سوریه تحت کنترل کردها تضمین کنند.

اکنون جمعیت ایران در می‌یابد که دهه‌ها را در فقر سپری کرده است تا هزینه‌های عظیم سپاه پاسداران و همه شبه‌نظامیان آن را بپردازد و برای چه؟ آنان پایگاه‌های دقیق و مقرهای نمایشی دارند، اما موشک‌های بالستیک گران‌قیمتشان را فقط

می‌توان علیه اعراب بی دفاع استفاده کرد، نه اسرائیل که قدرت رهگیری بالایی دارد. در مورد حزب الله، واضح است که آن‌ها حتی نمی‌توانند از خود دفاع کنند، چه رسد به متحدان به‌طور خلاصه، دیکتاتوری این کشور بالاخره در خیابان‌های شهرهای ایران به چالش کشیده شود و این بار در مقیاس و جدیت بیشتری اتفاق بیفتد. این اتفاق قطعاً سرنوشت حکومت را تعیین می‌کند؛ هیچ کس نمی‌تواند بداند که آیا افسران و مردان عادی ایرانی نسبت به سپاه تمایل کمتری به حمایت از دیکتاتوری دارند یا خیر، اما ایران اخیراً انتخاباتی داشت که در آن نامزد تندرویش به طور کامل شکست خورد و همچنین شواهد زیادی وجود ندارد که نشان دهد سربازان، ملوانان و هوانوردان ایران نیز علاقه چندانی به حکومت فعلی ندارند.

<https://tinyurl.com/2797u7e2>

ممکن است بهار عربی را در ایران ببینیم؟

امریکن انترپرایز مایکل روبین

درست بیش از یک قرن پیش، رضاخان، فرمانده نظامی ایران که توسط احمد شاه قاجار به سرکوب قبایل ناآرام و رهبران منطقه مأمور شد، ۳ هزار سرباز را به محرمه، خرمشهر امروزی، برای سرکوب قیام به رهبری شیخ خزعل فرستاد. در اصل، انگلیسی‌ها و شیخ خزعل به دنبال آن بودند تا استراتژی را که ربع قرن پیش از آن، زمانی که کویت را از ولایت عثمانی بصره جدا کردند، تکرار کنند.

زمانی که وینستون چرچیل، افسر جوان نیروی دریایی بریتانیا، نیروی دریایی بریتانیا را از زغال سنگ به نفت تغییر داد، نفت ایران اهمیت استراتژیک جدیدی پیدا کرد. برمه دیگر نمی‌تواند به تنهایی نیاز نفت امپراتوری بریتانیا را تامین کند. هم در زمان شاه و هم در زمان جمهوری اسلامی، بسیاری از اعراب ایرانی از حکومت تهران ناراضی بودند.

هم در زمان شاه و هم در زمان جمهوری اسلامی، بسیاری از اعراب ایرانی از حکومت تهران ناراضی بودند.

صدام حسین، رئیس جمهور عراق، چنین ناراضی‌هایی را از حد برآورد کرد، اما زمانی که در سال ۱۹۸۰ به ایران حمله کرد، اعلام کرد که «عربستان»، سرزمین اعراب را که او خوزستان نامیده بود، آزاد خواهد کرد.

اعراب ایرانی تا حد زیادی به دولت وفادار ماندند، اما بیش از یک دهه پس از پایان جنگ، اعراب ایرانی شکایت داشتند که با وجود اینکه منطقه‌ای بودند که بیشترین ضربه را از آنچه که اساساً به جنگ فرسایشی شبیه جنگ جهانی اول تبدیل شده بود، در بازسازی از تبعیض رنج می‌بردند.

این بدان معنا نیست که اعراب ایران تمایل به تجزیه طلبی یا حتی تمایل به آن دارند. آنچه واضح است این است که ناراضی‌هایی قابل توجهی در داخل ایران وجود دارد و این ناراضی‌ها در مناطقی که اقلیت‌های قومی مانند عرب‌ها، بلوچ‌ها و کردها جمعیت دارند، بیشتر است. ابتدا نابودی حزب الله لبنان و سپس سقوط احتمالی بشار اسد در سوریه نشان می‌دهد که سپاه پاسداران ضعیف است و خود نظام ایران نیز آسیب پذیر است.

<https://B2n.ir/g80062>

ایرانی‌ها می‌توانند از انقلاب سوریه پیروی کنند؟



ترور یسم خود را در سراسر منطقه، از سوریه تا عراق، لبنان تا یمن گسترش می‌دهد. بیایید برقصیم، آواز بخوانیم و صدای خود را برای سوریه‌ای عاری از دیکتاتوری و برای سقوط نهایی هر حکومتی که با ترور و سرکوب رشد می‌کند، از جمله حکومت ایران بلند کنیم.»

بن‌طالبلومی گوید که جمهوری اسلامی هنوز سقوط نکرده است، اما دوره‌های بین امواج قیام‌های ضد حکومت در حال کوتاه شدن است. ناآرامی‌ها عمدتاً ناشی از رویدادهای داخلی است، اما سرنگونی اسد هم‌اکنون یک عامل است، او می‌گوید: «این اساساً بازی مجموع-صفر» است. هر چیزی که عقب‌نشینی برای جمهوری اسلامی باشد، یک گام رو به جلو برای مردم است.»

نیروهای سوری که اسد را سرنگون کردند، سنی‌های وهابی هستند که در آموزه‌های جهاد جهانی اخوان المسلمین غرق شده‌اند. بهترین شبه‌نظامی سازمان‌دهی شده، هیئت تحریر شام، از نوادگان النصره، شاخه سوری القاعده است، اگرچه اکنون ادعا می‌کند که فقط برای سوریه می‌جنگد.

<https://B2n.ir/d71388>

علیه رژیم سکولار تحریک شده است، ایرانیان به طور فزاینده‌ای مشتاق یک دموکراسی واقعی سکولار محور هستند. بهنام بن طالبلو، ناظر ایران در بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، به سان می‌گوید: «آن‌ها از قبل فاز اسلامی خود را گذرانده‌اند». ایرانیان «آن رویارو پشته سر گذاشته‌اند و متوجه شده‌اند که پایان آن یک کابوس بوده است.» در خلال سقوط سریع اسد در آخر هفته، تهران قادر به دفاع از متحد خود نبود. تهران از زمانی که حکومت اسد در سال ۲۰۱۲ در اوج «بهار عربی» سقوط کرد، در کنار روسیه، محافظ اصلی اسد بود.

برای دهه‌ها، تهران شبه‌نظامیان را با هدف طرح قدرت منطقه‌ای در سرتاسر غرب آسیا پرورش داد. در همین حال، زندگی در داخل آن کشور از هم پاشید. تورم ۴۰ درصد است و در حال حاضر برای خرید یک دلار بیش از ۷۰۰ هزار ریال نیاز است و ارزش این ارز کمتر از کاغذی است که روی آن چاپ می‌شود. مسیح علی‌نژاد، فعال ضد حکومت ساکن بروکلین، در برنامه ایکس می‌نویسد: «حکومت [آیت‌الله] خامنه‌ای فقط ایرانیان را سرکوب نمی‌کند، بلکه ظلم و

سان بنی‌اونی

ظبرای چندین دهه، سوریه روابط همزیستی با جمهوری اسلامی برقرار کرده است، حتی اگر در ظاهر، این دو حکومت کاملاً متضاد با یکدیگر هستند: استبداد دمشق، به ریاست قبیله‌بغی اسد، در یک پان عربیست سکولار شکل گرفت. ایدئولوژی؛ مستبدان تهران بخشی از حکومت دینی هستند که تقوای شیعی را بر مردم خود تحمیل می‌کند.

قدرتمندترین گروه‌های شورشی سوریه که در آخر هفته بشار اسد را سرنگون کردند، در تلاش برای ایجاد یک رژیم مبتنی بر شریعت هستند؛ مانند روحانیون انقلاب سال ۱۹۷۹ ایران، ستیزه‌جویان سوری اکنون وعده میانه‌روی و قدرت مردمی را می‌دهند. به نظر می‌رسد این استراتژی برای جذب خارجی‌ها به همکاری با قدرت‌های جدید در دمشق طراحی شده است. در واقع، سوریه ممکن است در نهایت به یک کشور کثرت‌گرا تبدیل شود، اما با این حال، هیچ تضمینی برای این اتفاق وجود ندارد و ایرانیانی که مخالف حکومت آن‌ها هستند، این الگورامی شناسند. برخلاف قیام سوریه که توسط شریعت

سوء مدیریت، ایران را در برابر آمریکا آسیب پذیر می کند



موسسه واشنگتن پاتریک کلاسون

مسعود پزشکیان، رئیس جمهور ایران در مصاحبه تلویزیونی روز دوم دسامبر هشدار داد که اگر به کسری فزاینده انرژی خود رسیدگی نکند، «به طور بالقوه با یک بحران مواجه خواهد شد» و اشاره کرد که دولت ممکن است قادر به پرداخت حقوق بازنشستگی نباشد مگر اینکه قیمت سوخت افزایش یابد. این مصاحبه در بحبوحه احیای گفت و گوهای خارج از کشور درباره اجرای محدودیت های جدید آمریکا بر صادرات نفت ایران انجام شد و بسیاری از ناظران خاطرنشان کردند که این تاکتیک با موانع بزرگی روبرو خواهد شد و ممکن است تا حد زیادی توسط حکومت نترس و تحریم گریز نادیده گرفته شود. در سال ۲۰۱۹، اعتراضات ایرانیان علیه افزایش قیمت بنزین به سرعت به یک رویارویی بزرگ تبدیل شد، با فراخوان های توده ای برای تغییر حکومت و سرکوبی که صدها نفر را کشت. حکومت به ظاهر با

۲۰۱۰ [CISADA] به اجرا بگذارد. به طور خاص، دولت مجاز شد شرکت ها و دولت ها را به دلیل «ارائه کالاها یا خدماتی که می تواند مستقیماً و به طور قابل توجهی به افزایش توانایی ایران در واردات فرآورده های نفتی پالایش شده کمک کند، تحریم کند»، از جمله خدمات بیمه یا بیمه اتکایی؛ خدمات مالی یا کارگزاری؛ یا کشتی ها و خدمات حمل و نقل.

<https://B2n.ir/b86869>

اکثر خودروها حدود ۱۷ تا ۲۱ مایل در هر گالن حرکت می کنند، تشدید شده است. سوء مدیریت حکومت، آن را در برابر نوعی فشار که آمریکا پس از سال ۲۰۱۰ به شدت از آن استفاده کرد، آسیب پذیر می کند: ممانعت از فروش فرآورده های نفتی به ایران. در آن زمان، اکثریت قاطع آرای دو حزبی در کنگره، دولت اوباما را مجبور کرد که این اقدام را تحت «لایحه جامع تحریم ها، پاسخگویی و عدم سرمایه گذاری ایران سال

اذعان به مقیاس خشم عمومی، اقداماتی را برای تثبیت قیمت هادر ۳۰ هزار ریال در هر لیتر انجام داد، در آن زمان معادل ۸۵ سنت در هر گالن و اکنون فقط ۱۶ سنت. دولت همچنین چیره ماهانه ۱۵۰ لیتر برای هر خودرو را با نصف این قیمت (به ۶۰ لیتر در ماه ژانویه امسال کاهش داد) ارائه کرد. این اقدامات به افزایش تقاضا در سال های اخیر کمک کرده است که با پیر شدن ناوگان وسایل نقلیه که در آن

آمریکا برای سوریه بدون اسد آماده نیست

دلایلی که باراک اوباما خط قرمز خود را اجرا نکرد و تأسیسات دولتی سوریه را پس از حمله اسد به حومه دمشق بمباران نکرد، این بود که گروه های مسلح جهادی در این منطقه احتمالاً سود می بردند.

دولت بایدن در دو روز گذشته نسبتاً سکوت کرده است. بایدن در اظهارات روز یکشنبه از مردم سوریه برای سرنگون کردن یک دیکتاتور تحسین کرد و در عین حال بر روزهای پرتنش پیش رو تأکید کرد.

به نظر می رسد مقامات آمریکایی در این ساعات اولیه سقوط اسد دچار ضرر شده بودند. حتی اگر گزینه های آسانی وجود داشته باشد، آمریکا عاقلانه است که به آن ها فکر کند.

سوریه اکنون در مرحله گذار است. انتقال قدرت می تواند خوب یا بد باشد. در حال حاضر، ابومحمد الجولانی، رئیس جنبش شورشی هیأت تحریر الشام (HTS) همه چیزهای درست را می گوید.

بهترین سناریو ظهور سوریه ای است که تا حدودی باثبات است.

<https://B2n.ir/q36288>



از مهمات هدایت شونده و پهپاد دقیق گرفته تا موشک های ضدتانک را برای نبرد علیه اسرائیل به حزب الله فرستادند. با این حال، اسد، با همه ایرادات فراوانش، در واشنگتن نیز به عنوان موازنه ای در برابر جهادی هایی تلقی می شد که می توانستند کشور را تسخیر کنند و شاید مشکلات بیشتری را برای آمریکا و غرب آسیا ایجاد کنند. یکی از

کشور در دخمه ها حبس کرده بود و بارها برای حفظ قدرت از سلاح شیمیایی علیه مردم خود استفاده کرده بود، در حال از بین رفتن بود و به سمت تپه خاکستر می رفت. ارتش سوریه تسلیم شد. دمشق بدون جنگ سقوط کرد. بشار اسد برای نجات خود با هواپیما به مسکو رفت. به هر حال، سوریه اسد، راهروی کلیدی بود که ایرانی ها از طریق آن همه نوع تسلیحات،

اسیکتاتور دنیل دپتریس

بعد از ظهر روز شنبه، مقامات اطلاعاتی آمریکا یک ارزیابی را فاش کردند: نظام اسد، که بیش از نیم قرن بر سوریه حکومت می کند، ممکن است در چند روز سقوط کند. معلوم شد که واشنگتن به اسد اعتبار زیادی می داد. کمتر از ۸ ساعت بعد، نظامی که صدها هزار زندانی را در سرتاسر

افسانه گنبد آهنین اسرائیل

سورین

رژیم صهیونیستی

روزنامه

جنگی که می‌خواهد حمایت کند.

هیچ یک از این‌ها حتی به آسیب روانی عظیمی که سر بازان اسرائیلی در نتیجه دستور ارتکاب نسل‌کشی تجربه می‌کنند، نمی‌پردازد. بیمارستان‌های روان پزشکی در اسرائیل پر شده است. اساساً، نسلی از اسرائیلی‌ها در نتیجه سیاست‌های نتانیاها که توسط ایهود باراک و ایهود اولمرت، نخست‌وزیر سابق توصیف شده، از نظر روانی نابود شده‌اند.

برای بازگشت به نقطه اصلی یعنی دورگبار موشکی ایران باید به عنوان هشدار در نظر گرفته شود که گنبد آهنین حفاظتی را که به اسرائیلی‌ها گفته شده است، ارائه نمی‌کند. اگر یک درگیری شدید واقعی شروع شود، مانند جنگ‌های ۱۹۶۷ یا ۱۹۷۳ نخواهد بود. این بار، تلفات عظیم اسرائیلی نمایان خواهد شد و هر کسی که به جان اسرائیلی‌ها اهمیت می‌دهد باید به شدت نگران وخامت اوضاعی باشد که کابینه جنگ از ۱۷ اکتبر به دنبال آن بوده است.

<https://B2n.ir/b56863>



کوتاهی آماده پذیرش تعداد زیادی از تلفات باشند. هنگامی که این خبر علنی شد، اعتراضات گسترده‌ای برای برکناری او به راه افتاد که به عقب‌نشینی وی انجامید؛ اما به نظر می‌رسد که او در تلاش است تا استراتژی مناقیم بگیرد برای تحریک حملات علیه اسرائیل را تکرار کند تا از

تلاش‌های شدید نتانیاها برای ایجاد میراثی را متحمل شوند که امیدوار است او را از فهرست جنایاتی که قبل از شروع جنگ به خاطر آن‌ها محاکمه می‌شد، نجات دهد. در اواخر سال ۲۰۲۳، نتانیاها از بیمارستان‌های شمال اسرائیل بازدید کرد و به آن‌ها گفت که باید در مدت زمان

کانتر پانچ اریک الیوت

راه درست درک دورگبار موشکی جدی ایران بر اسرائیل، به منزله نمایش شکنندگی گنبد آهنین است.

هر موشکی که در زرادخانه گنبد آهنین قرار دارد، بنا به تعریف باید یک بمب هوشمند باشد چون هر چه باشد آن‌ها سعی می‌کنند موشک‌هایی را از آسمان پرتاب کنند و از آنجایی که اسرائیلی‌ها تحمل تلفات بسیار پایینی دارند، چندین موشک گنبد آهنین برای از بین بردن هر موشک وارد شده پرتاب می‌شود. هر کدام از این موشک‌ها بسیار گران هستند و در واقع، با توجه به واقعیت‌های لجستیکی و زنجیره تأمین، جایگزینی آنان دقیقاً آسان نیست. این یکی از دلایلی است که حزب الله گهگاه موشک‌هایی را به سمت اسرائیل پرتاب می‌کند که عدم تعادل هزینه‌های گسترده وجود دارد و آن‌ها منابع مالی و نظامی را تحلیل می‌برند. اسرائیلی‌ها به وضوح نمی‌خواهند عواقب

چرا سانه‌ها اسرائیل را دست کم می‌گیرند؟



اسپایکت مایکل مورفی

سباستین هافنر، یک مورخ آلمانی، دوران کودکی خود را در آلمان ویلهلمینا به یاد می‌آورد، جایی که فریب بولتن‌های ارتش را می‌خورد که به جای اطلاع‌رسانی به ملت در مورد جنگ، روحیه آنان را تقویت می‌کرد. امروزه، افراد تحصیل کرده اغلب در اثر رویدادهای بزرگ فریب می‌خورند و با افکار و آرزویی که به عنوان تحلیل نامیده شده است، گمراه می‌شوند.

اسرائیل در جنگ خود علیه حماس، انتظارات را مخدوش کرده است، حماس را زیر ویرانه غزه انداخته و به اندازه کافی ویرانی بر حزب الله وارد کرده است تا بتواند یک توافق آتش‌بس، هر چند متزلزل، ایجاد کند. مفسران در باره نردبان‌های تشدید تنش و یک جنگ منطقه‌ای گسترده‌تر هشدار دادند و پیش‌بینی کردند که ایران با تحقیر شدن نیروهای نیابتی اش دست روی دست نخواهد گذاشت، اما با این حال، جدا از چند حمله موشکی، این دقیقاً همان چیزی است که اتفاق افتاده است و این تشدید تنش در سکوت جنگ مخفی شد.

از حمایت گسترده‌ای در داخل اسرائیل برخوردار است، اما بسیاری از رسانه‌ها آن را به عنوان یک نیرنگ از سوی بنیامین نتانیاها، نخست‌وزیر اسرائیل برای چسبیدن به قدرت معرفی می‌کنند. انتفاضه دوم که منجر به کشته شدن بیش از هزار اسرائیلی شد، برای فلسطینی‌ها و خبرنگاران مطبوعاتی که به دلیل محکومیت خود رد شدند، شکست خورد.

<https://tinyurl.com/23mk275h>

انداختن گردن خود برای نیابت‌هایش دارد. بسیاری از مفسران «کاهش تنش» و آتش‌بس فوری را تنها راه‌های قابل دوام برای رسیدن به صلح، به رغم واقعیت‌های موجود، می‌دانند. پس از ترور رهبر نظامی حماس، یحیی سنوار، حماس علاقه بیشتری به مذاکره نشان داده است. حذف حسن نصرالله، رهبر حزب الله در ماه سپتامبر به امیدواری اسرائیلی‌ها و جهان منجر شد. این جنگ به خودی خود

توجه به احتیاط در مسائل نظامی عاقلانه است، اما بی‌زاری از درگیری به هر قیمتی به بازیگران مختلف آزادی عمل می‌دهد. همان‌طور که دشمنان اسرائیل برای صلح شکایت می‌کنند، واضح است که احتیاط محدودیت‌هایی دارد. در حالی که هنوز یک پیروزی قاطع به دست نیامده است، به نظر می‌رسد اسرائیل در حال پیروزی است و نشان می‌دهد که قتل شهروندان عواقب ناگواری دارد و ایران اشتباهی کمی برای به خطر

کش پاتل برای مدیریت افبی آی مناسب است

به طور منحصر به فردی او را برای رهبری این دفتر در این لحظه آماده می کند. پاتل به عنوان دستیار رئیس جمهور و مدیر ارشد مبارزه با تروریسم در شورای امنیت ملی که در آنجا مقام اصلی کاخ سفید مسئول نظارت بر برنامه مبارزه با تروریسم دولت آمریکا بود، خدمت کرد. این بسیار فراتر از نقطه نظر یک مدیر سنتی افبی آی است که ممکن است به عنوان دادستان، قاضی یا مقام وزارت دادگستری با رویکرد دولت در مقابله با تروریسم مواجه شده باشد.

در مقابل، پاتل هر روز با مردان و زنانی که در واقع مجری تلاش های ضد تروریسم آمریکا بودند، کار و به تعیین مسیر کمک می کرد. به عنوان رئیس ستاد وزارت دفاع، پاتل یکی از ناشناخته ترین اما پیامدترین مناصب آمریکا را اشغال کرد. پاتل به عنوان دست راست سرپرست وزارت دفاع، در تمام جنبه های اداره بزرگ ترین و پیچیده ترین بوروکراسی روی زمین نقش داشت. از مأموریت های عملیات ویژه گرفته تا استقرار نیروهای متعارف تا اطلاعات در مورد تهدیدات و مقاصد دشمن، پاتل درکی از توانایی ها و الزامات ارتش آمریکا به دست آورد که هیچ مدیر دیگری از افبی آی تا به حال از آن برخوردار نبوده است.

<https://B2n.ir/y05565>



که تنها در سال های آینده رشد و گسترش خواهند یافت، با طرز فکر سنتی اداره ای که از لحاظ تاریخی در مورد آدم ربايي ها و سرقت های بانکی اعمال می شود، تفاوت اساسی دارد. مدیری که در بالاترین سطح دستگاه امنیت ملی فعالیت کرده است و این تهدیدات قرن بیست و یکم را از منشوری فراتر از یک دستیار دادستان کل یا دادستان آمریکا درک می کند، برای امنیت آمریکا ضروری است.

کش پاتل دقیقاً چنین فردی خواهد بود. در حالی که پاتل تجربه قابل توجهی در دادگاه به عنوان دادستان و مدافع عمومی دارد، زمان کار او در بالاترین سطوح بوروکراسی امنیت ملی آمریکا است که

اصولی در افبی آی تقریباً همیشه به فردی با ترکیبی از دادستانی فدرال، شعبه قضایی و خدمات ارشد وزارت دادگستری تعلق می گرفت. در حالی که این پیش زمینه ها برای بیشتر قرن بیستم معنا پیدا می کرد، زمانی که نقش اصلی افبی آی به عنوان یک سازمان مجری قانون داخلی باقی ماند، به طرز تأسف باری برای تهدیدات قرن بیست و یکم ناکافی بودند.

از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و در طول دهه آخر رقابت قدرت های بزرگ با چین و روسیه، افبی آی به خط مقدم کشور در مبارزه با تروریسم، ضد جاسوسی و مسائل امنیت داخلی تبدیل شده است. رویکرد مورد نیاز افبی آی برای رویارویی با این چالش ها

ریل کلیور پالیتیکس الکساندر گری

خشم ساکنان Beltway Blob پس از معرفی کش پاتل توسط ترامپ رئیس جمهور منتخب به عنوان مدیر دفتر تحقیقات فدرال سرازیر شد. نامزدی پاتل به عنوان فردی که بیشترین ارتباط را با کشف سوء استفاده های حیرت انگیز از قدرت دارد که اکنون به عنوان «روسیا گیت» شناخته می شود، همیشه برای ترساندن مجموعه رسانه ای اندیشکده واشنگتن که به دنبال تداوم افسانه تباری احتمالی رئیس جمهور ترامپ با مسکو بوده اند، بوده است. در شهری که به قوانین احترام می گذارد، قابل توجه است که حتی ضد ترامپ ترین مفسران نیز بر فقدان صلاحیت های فرضی پاتل برای رهبری اداره کل اجرای قانون فدرال آمریکا پافشاری می کنند. یک ارزیابی عینی از خدمات پاتل و سوابق مدیران قبلی افبی آی، تنها به یک نتیجه اشاره می کند: «کش پاتل دارای مهم ترین و جدی ترین پیشینه امنیت ملی در بین هر کسی است که تا به حال به عنوان مدیر افبی آی نامزد شده است.»

از زمانی که جی ادگار هور اولین مدیر دفتر تحقیقات فدرال در سال ۱۹۳۵ شد، شغل

کسی می تواند با ترامپ مقابله کند؟

بیشتری به بودجه دفاعی خود نکنند، آن را به طور کامل ترک خواهد کرد، در حال بررسی هدف جدیدی برای اعضا است: «هر سال سه درصد از تولید ناخالص داخلی را برای دفاع هزینه می کند که از هدف فعلی دو درصد بیشتر است.» این اقدام در زمانی صورت می گیرد که تهدیدات شدید علیه امنیت اروپا ناشی از تهاجم روسیه به اوکراین مستلزم سرمایه گذاری نظامی قابل توجهی است. به نظر می رسد تلاشی برای جلوگیری از تقاضای اجتناب ناپذیر ترامپ برای هزینه های سه درصدی، ایده ای که مشاوران او در تابستان مطرح کردند و احتمالاً در صورت تحقق آن، او به هر حال اعتبار آن را به عهده خواهد گرفت.

<https://B2n.ir/z32935>

همه نامزدهای جنجالی ترامپ، از جمله هگست، تایید خواهند شد. آنچه واضح است این است که قلدری توسط ترامپ یا از طرف او کارساز است. با توجه به اینکه ترامپ همچنان در اوج پس از انتخابات قرار دارد، برخی از افراد و نهادهایی که به نظر می رسد به سمت یک برخورد اجتناب ناپذیر با رئیس جمهور بازگشته پیش می روند تا کنون به طور قابل توجهی از دست زدن به او محتاط بوده اند، حتی زمانی که تحریک کننده ترین توهین های ترامپ به او ارائه شود.

برخی از اهداف احتمالی ترامپ حتی منتظر تهدیدهای مورد انتظار او نیستند. این هفته در مقر ناتو در بروکسل، خبر رسید که ائتلافی که ترامپ یک بار تهدید کرده بود که اگر کشورهای عضو کمک

را در برابر تهدیدات مدیر جدید آن، کش پاتل، وفادار به ترامپ حفظ کند، ارائه نکرد. او در مصاحبه ای در ماه سپتامبر گفت که اولین اقدامش پس از به دست گرفتن اداره افبی آی این است که ساختمان اصلی آژانس را تعطیل کند و روز بعد آن را به عنوان موزه ایالت بازگشایی کند.

این هفته در کنگره، سناتور جونی ارنست پس از چند روز حمله توسط یک گروه رسانه ای MAGA گفت که از نامزد جنجالی ترامپ برای پست وزیر دفاع، پیت هگست، حمایت خواهد کرد. هنوز مشخص نیست که ارنست در نهایت به هگست رأی خواهد داد، کسی که تخلفات خود را رد کرده است، اگرچه سناتور تام کاتن، یکی از متحدان کلیدی ترامپ در سنا، اکنون پیش بینی می کند که

نیویورکر سوزان گلاسرا

آیا کسی آماده ایستادگی و مبارزه با دونالد ترامپ است؟ روز چهارشنبه، کریستوفر رای، مدیر افبی آی که ترامپ قول داده بود به محض بازگشت به کاخ سفید او را برکنار کند، اعلام کرد که به جای خطر یک جنگ عمومی، در ماه ژانویه، در حالی که نزدیک به سه سال از دوره ۱۰ ساله اش باقی مانده است، پیشگیرانه استعفا خواهد داد.

کریستوفر رای در بیانیه ای گفت: «این بهترین راه برای جلوگیری از کشاندن دفتر به عمق معارضه است و در عین حال ارزش ها و اصولی را که برای نحوه انجام کارمان بسیار مهم هستند، تقویت می کند.» او توضیح بیشتری در مورد اینکه چگونه دفاع از خود می تواند ارزش ها و اصول موسسه

تغییر نظم جهانی توسط چندجانبه‌گرایی خرد

سوریا

افول آمریکا

مؤرخان و تحلیلگران



تایمز هندوستان هیپمون جیکوب |

با وجود هشدار دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا، به کشورهای بریکس درباره اعمال تعرفه‌های سنگین در صورت ایجاد ارز جدید برای رقابت با دلار، نظم جهانی همچنان نامتراکم باقی می‌ماند. شکل‌گیری شراکت‌های کوچک و هدفمند میان کشورهای در مناطق خاص، نظم بین‌المللی را دستخوش تغییر کرده است.

بحث‌های مهم درباره مسائل جهانی و منطقه‌ای دیگر در سازمان ملل یا شورای امنیت انجام نمی‌شود و به جای آن، گروه‌های کوچک از کشورهای هم‌فکر به کانون این گفت‌وگوها تبدیل شده‌اند. دوران مذاکرات طولانی و ایجاد توافق‌های بزرگ به پایان رسیده و اکنون جهان سریع‌تر و قاطع‌تر پیش می‌رود. این گروه‌های کوچک کشورهایی را از مناطق مختلف، حتی دوستان و گاهی رقبای سیاسی، گرد هم می‌آورند تا

به مسائل خاص و چالش‌های مشترک رسیدگی کنند. هند در این میان نقش مهمی ایفا می‌کند. دهلی در بسیاری از این گروه‌های کوچک جایگاه کلیدی دارد و سعی می‌کند با هر دو طرف شکاف‌های ژئوپلیتیکی تعامل کند. موقعیت جغرافیایی هند که در جنوب آسیا و نزدیک چین قرار دارد، باعث شده این کشور رویکرد متنوعی داشته باشد و به جای تکیه بر یک مسیر مشخص، به دنبال فرصت‌های متنوع در همکاری‌های بین‌المللی باشد.

افزایش جانب‌گرایی به دلایل مختلفی صورت گرفته است. از یک طرف، ناآرامی چندجانبه‌گرایی و نبود حکمرانی جهانی مؤثر، کشورها را به سمت همکاری‌های کوچک‌تر سوق داده است. از طرف دیگر، قدرت‌های جدید در تلاش‌اند نقش بیشتری در نظام بین‌المللی ایفا کنند. این گروه‌های کوچک به کشورهای در حال رشد امکان می‌دهند تا نقش فعال‌تری در جهان داشته باشند، حتی اگر این نقش کاملاً واقعی و تأثیرگذار نباشد.

چارچوب‌های کوچک به‌طور عمده نتیجه جست‌وجوی کشورهای مختلف برای شرکای قابل اعتماد است، چرا که در دنیای امروز، شیوه‌های اقتصادی اغلب منافع استراتژیک را به‌عنوان فرصت‌های اقتصادی مخفی می‌کنند؛ بنابراین، برای اطمینان از انجام معاملات اقتصادی معتبر، اعتماد اهمیت زیادی پیدا کرده است. با کاهش چندجانبه‌گرایی و عدم اطمینان از سیستم‌های جهانی موجود، اعتماد به بخش مهمی از روابط بین‌المللی و تجارت تبدیل شده است. کشورهای مختلف به‌شدت به دنبال شراکت‌های قابل اعتماد برای مقابله با چالش‌های خود هستند. جانب‌گرایی نسبی همچنین به دنبال ایجاد تجارت و روابط تجاری امن است، به‌ویژه در شرایطی که امنیت به یکی از منافع تجاری اصلی تبدیل شده

هند در حالی که به‌طور فعال با کشورهای جنوب جهانی همکاری دارد، دیگر تمرکز خود را از گروه‌هایی مانند جنبش غیرمتعهد (NAM) یا گروه هفت تغییر داده است. هند تمایلی به اتخاذ مواضع ضد غربی یا ضدآمریکایی ندارد و به‌جای آن مواضع متعادل‌تری را اتخاذ می‌کند. به همین دلیل، گروه‌هایی مانند بریکس که در گذشته برای هند مهم بودند، ممکن است در آینده کمتر در محاسبات استراتژیک این کشور نقش داشته باشند.

چهارمین ویژگی این است که هند به دنبال همراهی و هم‌افزایی با کشورهای جنوب جهانی است، با توجه به نگرانی‌ها و تمرکز استراتژیک خود بر چین. هند از همکاری میان کشورهای جنوب جهانی حمایت می‌کند و از موقعیت خود در پلتفرم‌هایی مانند گروه ۲۰ استفاده می‌کند تا به مسائل خاص کشورهای جنوب توجه بیشتری جلب کند. به‌عنوان یک کشور در حال توسعه با نقش مهم در نظم جهانی، هند در حال ایجاد هویت جدیدی برای خود در سطح جهانی است و از شراکت‌های کوچک و متنوع به‌عنوان ابزارهایی برای تقویت این موقعیت استفاده می‌کند. در نهایت، رویکرد هند در قبال اقدامات کوچک امنیتی و دفاعی، پرهیز از ائتلاف‌های امنیتی رسمی و اجتناب از ابتکارات دفاع محور است. با این حال، افزایش مجامع چندجانبه‌گرایی خرد [minilateral forums] می‌تواند جهان را دموکراتیک‌تر کند، رقابت جهانی را تشدید کند و درگیری‌ها را در مناطق خاص تشدید کند. برنامه‌های چندجانبه‌گرایی خرد به دلیل محدود بودن برنامه و محدوده جغرافیایی محدود، برای رسیدگی به چالش‌های جهانی طراحی نشده‌اند که آن‌ها را به یک نقطه ضعف اصلی تبدیل می‌کند.

<https://shorturl.at/9Gnvv>

است. ملاحظات ژئوپلیتیکی و امنیتی امروزه در مباحث اقتصادی و فناوری نقش بسیار مهمی دارند. در این دوران تحولات سیاسی غیرقابل پیش‌بینی، کشورها تلاش می‌کنند وابستگی خود را به یک کشور خاص در زمینه‌هایی مانند سرمایه‌گذاری خارجی، فناوری‌های حساس و بازارها کاهش دهند. شراکت‌های قابل اعتماد اهمیت بیشتری یافته‌اند، زیرا کشورها فهمیده‌اند که همه تجارت‌ها یا سرمایه‌گذاری‌ها به‌صرفه نیستند و هر فناوری هم مناسب نیست. در این شرایط، شراکت‌های این چنینی نقش کلیدی پیدا می‌کنند.

رویکرد هند به سازمان‌های چندجانبه‌گرایی اصلی دارد؛ اولین ویژگی، مشارکت هند در این سازمان‌ها به دلیل نگرانی از مشکلات موجود از چندجانبه‌گرایی است. هند معتقد است که چندجانبه‌گرایی تنها بخشی از راه‌حل مشکلات جهانی است و به‌طور کامل نمی‌تواند جواب‌گوی چالش‌ها باشد، بنابراین دهلی همچنان ترجیح می‌دهد که نظم چندجانبه‌گرایی را اصلاح کند نه اینکه آن را کنار بگذارد.

دومین ویژگی این است که هند این مدل جانب‌داری را که با اصطلاح «چندجانبه‌گرایی خرد» نیز شناخته می‌شود به‌عنوان ابزاری برای ترویج چندقطبی شدن می‌بیند. دهلی معتقد است که مشارکت در گروه‌های کوچک می‌تواند به‌عنوان یک مسیر استراتژیک برای به‌دست آوردن موقعیت برجسته‌تر در نظم جهانی اصلاح شده عمل کند. برای هند، هدف نهایی ایجاد یک نظم چندقطبی است که به این شکل از چندجانبه‌گرایی کمک می‌کند.

سومین ویژگی رویکرد هند این است که این کشور بر ایدئولوژی تأکید نمی‌کند و ترجیح می‌دهد بر اساس منافع عمل کند تا بخواهد هم‌سوپی‌های ایدئولوژیک سخت‌گیرانه را دنبال کند. به‌عنوان مثال،

چگونه حکومت اسد از هم فروپاشید؟

سوریه است. آیا این بدان معناست که فکر می‌کنید نقش ترکیه در حمایت از گروه هیئت تحریر شام، اغراق آمیز است؟ قطعاً. ترکیه برنده بزرگ ژئوپلیتیکی است، اما من فکر می‌کنم باید زمینه‌ای را در آنجا فراهم کنیم. اول اینکه ترکیه حامی مستقیم هیئت تحریر شام نیست. این کشور در واقع حامی ائتلاف دیگری به نام ارتش ملی سوریه است که بقایای گروه‌های دیگر را گرد هم آورد و در هر صورت، هیئت تحریر شام، اگر چه از گذشته جهادی تندرو می‌آید، اما در واقع در این فضا کاملاً منضبط بوده و در سال‌های اخیر از برخی رفتارهای افراطی که گروه‌های تحت حمایت ترکیه مانند ارتش ملی سوریه انجام نداده‌اند، اجتناب کرده است. من می‌گویم ارتش ملی سوریه در این زمینه نیروی مشکل‌سازتری است. من و تعدادی دیگر از تحلیل‌گران معتقد نیستیم که ترکیه از روز اول تحرکات سوریه را طراحی کرده است. من فکر می‌کنم که ترک‌ها دستاوردهای محدودی در حلب و اطراف آن داشتند. شورشیان می‌خواستند بیشتر پیش بروند، اما ترک‌ها موافق یک عملیات محدود بودند.

<https://B2n.ir/z76824>



بلکه سوریه را فرار گرفته است. خود حکومت به اندازه اپوزیسیون در گذشته شکست خورده بود. سوریه دارای جمعیت کرد است و داعش همچنان سعی در عرض اندام در صحرای شرقی دارد؛ بنابراین، بخشی از کشور برای مدت طولانی حول اسد متحد شده بود؛ اما این بخشی از دلیل سقوط او شد. اپوزیسیون نسبتاً متحدتر شد زیرا یک دشمن داشت که باید علیه آن می‌جنگید. اکنون ما اساساً به رقابت برای قدرت، برای قلمرو، برای مشروعیت برمی‌گردیم و این کار دشواری در اینجا خواهد بود. شما گفتید که این یک راه‌حل برای مشکل

است. در طول گفت‌وگوی ما که برای طول و وضوح آن مورد ویرایش قرار گرفته است، ما همچنین در مورد پویایی داخلی که منجر به افول حکومت اسد شد، اینکه چرا دشمنان منطقه‌ای زمانی اسد همچنان نگران هستند و شورشیان که دولت را سرنگون کردند واقعاً چه می‌خواهند صحبت کردیم. در طول ۴۸ ساعت گذشته، مردمی را دیدیم که سقوط اسد را جشن می‌گیرند، اما شما در حال حاضر بیشتر نگران چه چیزی هستید و چرا؟ من فکر می‌کنم نگرانی همه مربوط به جناح‌گرایی است که نه تنها مخالفان،

نیویورک

ایساک چوتینر |

در آخر هفته، بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، با تسلط نیروهای مخالف به پایتخت دمشق، به روسیه گریخت و به شورش که در سال ۲۰۱۱ آغاز شده بود و صدها هزار نفر کشته و میلیون‌ها نفر آواره شدند، پایان داد. به نظر می‌رسد حکومت اسد پس از دریافت حمایت نظامی قابل توجه از ایران و روسیه، دست برتر را به دست آورده است؛ اما در حالی که متحدانش به ترتیب درگیر درگیری‌ها علیه اسرائیل و اوکراین هستند، هیئت تحریر شام [HTS]، یک گروه شورشی که زمانی به القاعده با نام سابقش، جبهه النصره وابسته بود، با سرعت خیره‌کننده‌ای در سراسر شهرهای سوریه پیشروی کردند. برای درک اینکه این چرخش وقایع برای همسایگان سوریه چه معنایی دارد و چگونه این کشور ممکن است به حالت عادی دست یابد، اخیراً تلفنی با امیل هوکایم، مدیر امنیت منطقه‌ای و کارشناس ارشد امنیت غرب آسیا در مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک صحبت کردم که تقریباً دو دهه است درباره سوریه نوشته

صدای آمریکا

همه‌گزینه‌ها

در قبال ایران روی میز است

تیم انتقالی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا، به بخش فارسی صدای آمریکا گفت: تمام گزینه‌ها برای رسیدگی به برنامه هسته‌ای حکومت ایران روی میز است. برابان هیوز، سخنگوی تیم انتقالی دونالد ترامپ، در پاسخ به پرسش فرهاد پولادی، خبرنگار بخش فارسی صدای آمریکا، در ارتباط با گزارش روز جمعه وال استریت ژورنال مبنی بر اینکه دولت ترامپ گزینه نظامی برای مهار جاه‌طلبی‌های هسته‌ای حکومت ایران را روی میز دارد، گفت: «دولت ترامپ به استقرار مجدد صلح و ثبات در منطقه غرب آسیا متعهد است».

او در ادامه افزود که دونالد ترامپ «همه گزینه‌ها را در رابطه با حکومت جمهوری اسلامی، از جمله فشار حداکثری، را روی میز نگه خواهد داشت».

روزنامه وال استریت ژورنال روز جمعه گزارش داد تیم انتقالی دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا، سرگرم بررسی گزینه‌های مختلف برای جلوگیری از دسترسی حکومت ایران به جنگ افزار هسته‌ای، از جمله گزینه «حمله هوایی پیشگیرانه»، است.

<https://B2n.ir/x75411>

سایر خبرها

آکسیوس

اسرائیل واردن در باره وضعیت سوریه

جلسه محرمانه برگزار کردند

نشریه «آکسیوس» به نقل از سه منبع اسرائیلی گزارش داد که مقامات اسرائیل واردن روز جمعه ۲۳ آذر برای هماهنگی در مورد وضعیت سوریه، مذاکراتی محرمانه برگزار کرده‌اند. بر اساس این گزارش، در جلسه مذکور، رئیس سازمان اطلاعات و امنیت داخلی اسرائیل (شین بت)، مقامات ارشد ارتش، رئیس سرویس اطلاعاتی واردن و تعدادی از فرماندهان ارشد نظامی این کشور عربی حضور داشتند. به گفته دو مقام اسرائیلی، محورهای اصلی این مذاکرات شامل وضعیت سوریه و تعامل اسرائیل و اردن با گروه‌های شورشی مرتبط با تشکیل دولت انتقالی در سوریه بوده است.

اسرائیل و اردن، به‌عنوان دو کشور همسایه سوریه، اعلام کرده‌اند که در شرایط کنونی این کشور، قصد دارند بر اساس منافع امنیتی مشترک خود همکاری کنند. به نقل از یکی از مقامات اسرائیلی، اردن به‌عنوان یک میانجی کلیدی میان اسرائیل و گروه‌های شورشی سوریه، از جمله «هیئت تحریر الشام»، نقش مهمی ایفا می‌کند.

<https://B2n.ir/y38732>

اتحاد روسیه با چین مانند یک بمب ساعتی است

سورین

اروپا

مركز مطالعات استراتژیک سورین

روزنامه

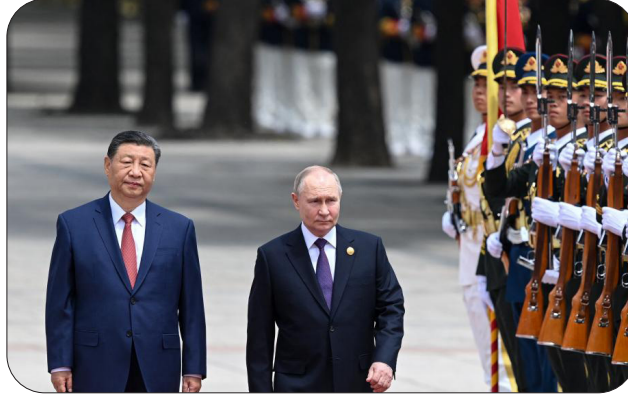
ه

عناصر خاکی کمیاب و ذخایر قابل توجه نفت و گاز طبیعی در دریای اوخستک است. در همین حال، جمعیت خاور دور روسیه از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی رو به کاهش بوده است و فرصت‌های اقتصادی را به طور فزاینده‌ای توسط مشاغل و کارگران چینی از استان‌های پرجمعیت شمالی چین پر می‌کند.

چین پایه‌های اقتصادی را در برمی‌گیرد، زیرساخت‌های نظامی ایجاد می‌کند و به طور پیوسته بر مناطق مورد مناقشه تسلط دارد. این روش در اقدامات آن در دریای چین جنوبی مشهود است، جایی که پکن ابتدا پایگاه‌های اقتصادی ایجاد کرد، سپس با وجود مخالفت‌های بین‌المللی تأسیسات نظامی ساخت.

به طور مشابه، پکن ادعاهای ارضی علیه هند در هیمالیا را دنبال کرده است و در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ با نیروهای هندی درگیر شده است. در ویتنام، تهاجم چین در سال ۱۹۷۹ و درگیری‌های بعدی بر سر سرزمین مورد مناقشه و عوامل دیگر، آمادگی این کشور را برای استفاده از زور برای ادعای ادعاهای تاریخی نشان می‌دهد.

<https://B2n.ir/j48184>



به تنهایی بیش از ۳۵۰ هزار مایل مربع را تسلیم کردند، منطقه‌ای که با سرزمین‌های ترکیبی تگزاس و فرانسه قابل مقایسه است. ۱۵۰ هزار مایل مربع دیگر بر اساس معاهده ۱۸۶۴ تاریکاتای از دست رفت. این توافق نامه هانگتسه در ناکی برای رهبران چین باقی می‌ماند که آن‌ها را میراثی از استثمار در دوره ضعف چین می‌دانند. اهمیت استراتژیک این مناطق رانمی توان نادیده گرفت. «ولادی وستوک» که زمانی «هایشنوای» بود، اکنون بزرگ‌ترین بندر روسیه در اقیانوس آرام و خانه ناوگان اقیانوس آرام است. قلمروهای فراتر از ولادی وستوک همچون دریای چوب، طلا،

بیشتر اصطلاحاً «ازدواج مصلحتی» است که ناشی از مخالفت متقابل با قدرت غربی است تا یک مشارکت استراتژیک واقعی که توسط یک چشم‌انداز مشترک برای آینده هدایت می‌شود. تحت ظاهر وحدت، نارضایتی‌های تاریخی و منافع رقابتی نهفته است که می‌تواند پس از خروج پوتین و شی از صحنه، روابط را از بین ببرد. تنش‌ها بین روسیه و چین به قرن نوزدهم بازمی‌گردد، زمانی که معاهدات سرزمینی که توسط پکن نابرابر تلقی می‌شد، سلسله چینگ را مجبور کرد تا زمین‌های وسیعی را به روسیه تزاری واگذار کند. معاهده ۱۸۵۸ آیگون و کنوانسیون ۱۸۶۰ پکن

هادسون

رایان تالی

نشست اخیر بریکس پلاس در کازان روسیه، با حضور برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی باعث شد که برخی ناظران از آن به عنوان طلوع نظم جهانی ضد غربی به رهبری مسکو و پکن استقبال کنند.

شراکت بین روسیه و چین غیرقابل انکار است. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه و شی جین‌پینگ، رهبر چین از سال ۲۰۱۲ تاکنون بیش از ۴۰ بار ملاقات کرده‌اند و شی جین‌پینگ بیش از دو برابر بیشتر از سایر رهبران جهان با پوتین ملاقات کرده است.

تحقیر مشترک آن‌ها نسبت به قدرت غربی باعث می‌شود تمرین‌های نظامی مشترک مکرر، مانند وستوک ۲۰۲۲ که ساختارهای فرماندهی یکپارچه و هماهنگی تاکتیکی آن‌ها را به نمایش بگذارد، انجام می‌شود. انتقال فناوری نظامی به سطوح بی‌سابقه‌ای رسیده است و چین به فناوری‌های پیشرفته هوافضای روسیه دسترسی پیدا کرده و اجزای نیمه‌رسانای حیاتی را برای سیستم‌های تسلیحاتی روسیه تأمین می‌کند. با این حال، این اقبال روبه‌رشد احتمالاً

سورین

فکس نیوز

نیویورک تایمز

مواضع گزینه ترامپ برای مشاور امنیت ملی در مورد جمهوری اسلامی

والترز با سیاست نالشنالیست، تجربه‌های بیشتر او در قوه مجریه آمریکا در سال‌هایی بود که جمهوری اسلامی ایران یکی از دغدغه‌های دولت آمریکا به شمار می‌رفت. مایک والتز در مصاحبه‌ای با برنامه «فکس نیوز» گفت: «تغییر عمده‌ای در سیاست دولت آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی ایران صورت خواهد گرفت.» او صراحتاً گفت که فشار حداکثری در دوره اول ترامپ مؤثر بود و دوباره آن را عملی خواهند کرد.

بعد از مرگ ابراهیم رئیسی در سقوط هلیکوپتر، والتز به جای تسلیت گفتن، پیشنهاد دیگری برای دولت بایدن داشت: «از مخالفین ایرانی در مبارزه‌شان برای آزادی حمایت کنید. کارزار فشار حداکثری دولت ترامپ را دوباره اجرا کنید.» به نظر والتز، فشار حداکثری، حکومت جمهوری اسلامی را وادار خواهد کرد بیشتر نگران بقای خود شود و فرصت کمتری برای تهدید اسرائیل و ایجاد بی‌ثباتی در منطقه داشته باشد. والتز نیز مانند دیگر جمهوری خواهان نسبت به برنامه اتمی جمهوری اسلامی بدبین بوده است.

<https://B2n.ir/b32856>

حزب الله مسیر دریافت تسلیحات از طریق سوریه را از دست داده است

رهبر حزب الله لبنان تأیید کرد: شورشیانی که دولت بشار اسد را سرنگون کردند، مسیر تامین تسلیحات و تجهیزات حزب الله از طریق خاک سوریه را قطع نموده‌اند که این مسئله ضربه‌ای دیگر به حزب الله و حامی‌اش، جمهوری اسلامی ایران، است.

به نوشته نیویورک تایمز، دولت سوریه، پیش از سقوط، گذرگاهی زمینی برای جمهوری اسلامی فراهم کرده بود تا تسلیحات و تجهیزات را به دست حزب الله در لبنان برساند که این امر قدرت این گروه و نفوذ ایران را تقویت می‌کرد.

نعیم قاسم، رهبر حزب الله، در یک سخنرانی تلویزیونی با اشاره به این موضوع، ابراز امیدواری کرد که این وضعیت به مرور زمان تغییر کند و افزود حزب الله به دنبال راه‌های جایگزین برای تامین تجهیزات خواهد بود یا بررسی خواهد کرد که آیا مسیر سوریه تحت «نظامی جدید» دوباره برقرار می‌شود یا خیر.

پس از یک سال درگیری با اسرائیل و چند ماه جنگ تمام‌عیار، از دست دادن مسیر زمینی سوریه، ضربه‌ای دیگر به حزب الله لبنان است.

<https://B2n.ir/p13060>

دادگاه بین‌المللی کیفری باید حکم بازداشت علی‌اف را صادر کند



نیوزویک استفان پچدیمالجی |

تصمیم اخیر دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) برای صدور حکم بازداشت برای بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، یوآف گالات، وزیر دفاع سابق وی و محمد ضیف، فرمانده حماس به دلیل نقش‌شان در جنگ اسرائیل و حماس، استاندارد دوگانه را در مورد نسل‌کشی برجسته می‌کند.

در حالی که شکی وجود ندارد که این افراد جنایات جنگی و جنایات وقیحانه‌ای علیه بشریت در طول جنگ مرتکب شده‌اند و هم فلسطینی‌ها و هم اسرائیلی‌ها متحمل خسارات غیرقابل‌تصوری شده‌اند، حکم دیوان کیفری بین‌المللی فاقد هرگونه سازگاری در اجرای قانون و معنای آن است.

به همین دلیل است که دیوان کیفری بین‌المللی باید برای الهام علی‌اف، دیکتاتور آذربایجان، به دلیل ارتکاب جنایات جنگی مشابه و سایر موارد نقض حقوق بشر، از جمله پاک‌سازی قومی ارمنی‌ها از قره‌باغ کوهستانی در سال گذشته، حکم بازداشت بگیرد. در حالی که مرکز حقیقت و عدالت (CFTI)، یک سازمان حقوق بشر مستقر در آمریکا، اوایل سال جاری از دیوان بین‌المللی کیفری برای تحقیق درباره نسل‌کشی ادعایی در قره‌باغ کوهستانی درخواست کرد، تاکنون فعالیت کمی در مورد این درخواست صورت گرفته است.

برای مدت‌های طولانی، شاهد بوده‌ایم که دولت‌هایی مانند آذربایجان از سیاست‌های پوششی استفاده می‌کنند تا از هرگونه پاسخگویی در قبال اقدامات خود چشم‌پوشی کنند. این یکی از دلایلی است که آن‌ها توانسته‌اند از انجمن‌های جهانی مانند کنفرانس سالانه تغییرات آب‌وهوایی سازمان ملل که اخیراً میزبان آن بودند، استفاده کنند تا در عرصه جهانی سفیدنمایی کنند و اقدامات ضد حقوق بشری را پشت‌دور بین‌ها پنهان نمایند.

پاک‌سازی قومی که نشان‌دهنده نسل‌کشی است، پیام اشتباهی را به مستبدان و متجاوزان احتمالی می‌فرستد که این نوع اعتبار را چراغ سبزی برای عمل بدون مجازات و نادیده گرفتن نظارت سازمان‌های بین‌المللی و

مقامات قانونی می‌دانند. دیوان کیفری بین‌المللی با عدم برخورد با علی‌اف به‌عنوان جنایتکار جنگی، حس‌ریاکاری را در اجرای قانون تداوم می‌بخشد و به منتقدان فرصت می‌دهد تا صحت آن را زیر سؤال ببرند.

دیوان کیفری بین‌المللی باید در مورد اتهامات نسل‌کشی همه‌جانبه باشد. آنان نمی‌توانند برای برخی حساس باشند و برای برخی دیگر نباشند. هیچ ابهام یا ظاهر جانب‌دارانه‌ای نباید وجود داشته باشد.

متأسفانه در حال حاضر در آذربایجان شاهد آن هستیم. علی‌اف با برداشتن صفحه‌ای از کتاب بازی یک مرد قدرتمند دیگر، یعنی ولادیمیر پوتین از روسیه، از بهانه تجدیدنظرطلبی تاریخی برای راه‌اندازی یک جنگ غیرقانونی علیه ارمنیان در قره‌باغ کوهستانی استفاده کرد. علی‌اف با استفاده از این نظریه بی‌اعتبار مبنی بر اینکه قره‌باغ توسط آلبانیایی‌های قفقاز و نه ارمنی‌ها حل‌وفصل شده است، خود و جهان را متقاعد کرد که ارمنه هیچ حقوق تاریخی نسبت به سرزمین خود ندارند. هیچ مسئله‌ای نمی‌تواند دور از حقیقت باشد، که توضیح می‌دهد که چرا آذربایجان به تخریب مکان‌های فرهنگی و تاریخی ارمنستان از جمله کلیساها و صومعه‌ها ادامه می‌دهد، در حالی که صدها سال در تلاش

برای محو هرگونه اثری از وجود ارمنه در منطقه ایستاده‌اند. جنگ سال ۲۰۲۰ با محاصره ۱۰ ماهه تنها جاده‌ای که ارمنه را در این منطقه به جهان خارج متصل می‌کرد، این مسئله را به‌دنیاال داشت که شرایط زندگی را چنان غیرقابل‌تحمل کرد که ارمنه تحت فشار قرار گرفتند تا خانه‌های خود را ترک کنند.

این دقیقاً همان کاری است که در ماه سپتامبر سال ۲۰۲۳، آذربایجان انجام داد؛ این کشور بیش از ۱۲۰ هزار ارمنی را از قره‌باغ مجبور کرد که خانه‌هایشان را ترک کنند و این بزرگ‌ترین جابجایی ارمنه از زمان نسل‌کشی آن‌ها در سال ۱۹۱۵ بود. آذربایجان در یک ضربه، فرهنگ هزار ساله ارمنی را در گروگان برد. دادستان ارشد سابق دیوان کیفری بین‌المللی، آن را یک نسل‌کشی خواند و گفت که در آن زمان یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های پناهندگان و بشردوستانه در جهان بود.

با وجود این جنایات و اقدامات وحشتناک آذربایجان، او همچنان توانسته است از هرگونه مجازات و تحقیر جامعه بین‌المللی جلوگیری کند. اقدامات آذربایجان تنها با انفعال آمریکا و غرب مواجه شده است. رهبران غربی مانند جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا که شیفته منابع

عظیم نفت و گاز طبیعی آذربایجان و نزدیکی ایران به این کشور و قدرت کسب اطلاعات نظامی است، از محکوم کردن آذربایجان خودداری کرده و قطعنامه‌های متعدد سازمان ملل در انتقاد از آذربایجان را مسدود کرده است. دولت بایدن همچنین با هر اقدام کنگره با هدف پاسخگویی آذربایجان یا آزادی اسرای ارمنی و زندانیان سیاسی مخالفت کرده است.

حتی اتحادیه اروپا توافقنامه‌ای را با آذربایجان برای دوبرابر کردن واردات گاز تا سال ۲۰۲۷ امضا کرد و اورسولا فون در لاین، رئیس کمیسیون اروپا، علی‌اف را یک «شریک قابل اعتماد» خواند.

این عدم پاسخگویی به کشورهایمانند آذربایجان اجازه می‌دهد تا بدون مجازات عمل کنند و در عین حال یکپارچگی دادگاه‌های بین‌المللی مانند دیوان کیفری بین‌المللی را که در وهله اول برای جلوگیری از وقوع جنایات جنگی ایجاد شده‌اند، تضعیف کنند. اگر دیوان کیفری بین‌المللی خواهان هرگونه اعتبار درباره حکم‌های بازداشت اخیر رهبران اسرائیل و حماس است، باید در نحوه تفسیر و اجرای قانون ثابت‌قدم باشند و با معطوف کردن توجه خود به آذربایجان می‌توانند نشان دهند در مورد جنایات و نابرابری‌های حقوقی تا چه حد دقیق و پیگیر هستند.

<https://tinyurl.com/22p7gqvy>

تجربه رزمی؛ برتری آمریکان نسبت به ارتش چین

سورپرس

نظامی

موضوعات: نظامی، ژنرال

همین حال، نیروی دریایی چین با داشتن بیش از ۳۷۰ کشتی، بزرگ‌ترین نیروی دریایی جهان است. در مقایسه، نیروی دریایی آمریکا کمتر از ۳۰۰ کشتی و زبرداری دارد و انتظار می‌رود که با از کار انداختن کشتی‌های قدیمی‌تر، این تعداد کاهش یابد. اندیشکده مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی در واشنگتن، سال گذشته پس از یک سری بازی‌های جنگی که تهاجم چین به تایوان در سال ۲۰۲۶ را شبیه‌سازی می‌کرد، به این نتیجه رسید که آمریکا در جنگ علیه چین به سرعت مهمات کلیدی خود را تمام می‌کند.

<https://B2n.ir/e51431>

تجربه کرده‌اند، اکنون در حال آموزش، رهبری و راهنمایی نسل بعدی هستند و اطمینان حاصل می‌کنند که آماده خواهند بود. ارتش آزادی‌بخش خلق چین به یک نیروی جنگی بسیار قدرتمند تبدیل شده است و مقامات دولت آمریکا به طور گسترده چین را دشمن بالقوه آمریکای دانند. بر اساس گزارش سال ۲۰۲۳ وزارت دفاع درباره قدرت نظامی چین، ارتش چین با حدود ۲٫۲ میلیون سرباز فعال، بزرگ‌ترین نیروی نظامی فعال جهان را دارد. چین همچنین حدود ۱٫۲ میلیون نیروی ذخیره و ۶۶۰ هزار نیروی شبه نظامی دارد که در مجموع حدود ۴ میلیون نیرو دارد.

گفت که نیروهای آمریکایی در دهه‌های گذشته در نبرد سخت گیر بوده‌اند و این به آن‌ها درس‌هایی آموخته است که در درگیری‌های آینده بسیار ارزشمند خواهد بود. اسمیت گفت: «مانسلی از تفنگداران دریایی، سربازان، ملوانان، هوانوردان و نگهبانان نیروی فضایی داریم که جنگ را از نزدیک تجربه کرده‌اند.» در حالی که ماهیت درگیری‌های آینده ممکن است متفاوت باشد، ماهیت جنگ هرگز تغییر نمی‌کند. عدم قطعیت، هرج و مرج و خشونت جنگ را نمی‌توان در یک شبیه‌سازی تکرار کرد. تجربه ما در هر نبرد در آینده به ما برتری خواهد داد. اسمیت ادامه داد: «کسانی که جنگ را

تسک اند پرپس جف شوگولا

ژنرال اریک اسمیت، فرمانده سپاه تفنگداران دریایی اخیراً گفت: «تجربه رزمی گسترده ارتش آمریکا در بیش از دو دهه به سربازان آمریکایی برتری قاطع نسبت به ارتش آزادی‌بخش خلق چین می‌دهد.» اسمیت گفت که ارتش آمریکا تجربه گسترده‌ای دارد که به عنوان یک نیروی مشترک عمل می‌کند و فرهنگ تعامل‌پذیری را توسعه داده، در حالی که چین «در دهه‌ها مجبور به مقابله با آن نبوده است.» اسمیت در بیانیه‌ای به Task&Purpose

میلیاردرهای فناوری برای حمله به پنتاگون آماده می‌شوند

بوروکراسی گسترده‌ای که بر اساس عملکرد نهادی ساخته شده، صادق است. یکی از کارآفرینانی که در بستن قراردادهای کوچک با پنتاگون موفق بوده است، مانند سایرین، نامش ناشناس ماند تا از واکنش دولت آینده جلوگیری کند؛ گفت: «آن‌ها باید یاد بگیرند که چگونه به یک زبان صحبت کنند و حتی این مدتی طول می‌کشد.»

مدیران اجرایی همگی در شرکت‌های متعددی که با پنتاگون کار می‌کنند سرمایه‌گذاری و سهام دارند و باید تعیین کنند که چگونه شبکه‌ای از تضاد منافع بالقوه را از بین می‌برند، مانند توسعه پهباد Anduril یا پلتفرم‌های نرم‌افزاری Palantir که پنتاگون به آن‌ها کمک مالی می‌کند. بسیاری از ژنرال‌ها و دیگر رهبران پنتاگون در حال تغییر نیستند؛ اما آن‌ها همچنان در مورد حرکت بیش از حد سریع برای تغییر سلاح‌هایی که به‌رغم نقص‌هایشان، در میدان جنگ مؤثر هستند، محتاط هستند و بسیاری از سیستم‌های تسلیحاتی قدیمی، اگرچه گران هستند، اما ثابت کرده‌اند که علیه ارتش روسیه در اوکراین یا در سرنگونی موشک‌های بالستیک و پهپادهای ساخته شده توسط روسیه، ایران و کره شمالی کار می‌کنند.

<https://B2n.ir/y69369>



دولت جدید متوجه شود که ما در یک بحران هستیم. اگر می‌خواهید به یک بحران پاسخ دهید، نمی‌توانید همان افرادی را که ۱۰ سال پیش انتخاب کردید، منصوب کنید، نمی‌توانید همان سازمان‌هایی را داشته باشید که ۱۰ سال پیش داشتید و نمی‌توانید همان فرآیندها را داشته باشید.» اما هرگونه تغییر قابل توجه در نحوه تجارت پنتاگون با سرعت سرسام‌آور صنعت فناوری تجاری انجام نخواهد شد. این امر به‌ویژه در مورد

پولیتیکو

پل مک لیری / جک دچ

یک تضاد فرهنگی به سمت واشنگتن در راه است که طبیعتاً پرخطر و سریع سیلیکون ولی را در برابر بوروکراسی سنگین بزرگ‌ترین آژانس فدرال کشور قرار خواهد داد.

دونالد ترامپ قبلاً از مدیران مالی میلیاردر به‌عنوان وزیر نیروی دریایی و جایگزین پنتاگون استفاده کرده است. جولونزویل، موسس شرکت نرم‌افزاری Palantir و سرمایه‌گذار استارت‌آپ در یک انجمن دفاعی گفت: «بسیاری از ما امیدواریم انقلابی در راه باشد، جایی که ما بوروکراسی را مستول می‌دانیم، جایی که بوروکراسی را شوکه می‌کنیم.» تیم ترامپ برای پر کردن پنتاگون با انتخاب‌هایی مانند استفان فاینبرگ، سرمایه‌گذار ثروتمند بدون تجربه، به‌عنوان معاون وزیر دفاع تلاش کرده است. همان‌طور که پولیتیکو برای اولین بار گزارش داد، شیام سانکار، مدیر ارشد فناوری Palantir، برای شغل برتر تحقیقاتی و مهندسی پنتاگون در نظر گرفته شده است. ترا استفنز، یکی از بنیانگذاران و رئیس صنایع اندوریل نیز برای یک شغل عالی در پنتاگون در ترکیب قرار دارد. چندین سرمایه‌گذار دیگر که علاقه عمیقی به شرکت‌های

دفاعی دارند، مانند ایلان ماسک از اسپیس ایکس و مارک آندریسن، سرمایه‌دار خطرپذیر، به ترامپ نزدیک هستند و در کنار هم قرار دادن دولت جدید نقش دارند.

بسیاری در سیلیکون ولی انتخاب‌های ترامپ را تشویق کردند، به‌ویژه آن‌هایی که از اینکه پنتاگون به‌رغم سال‌ها گفت‌وگو قول همکاری بیشتر از فناوری آن‌ها به‌طور کامل استفاده نکرده است، ناامید شده‌اند. استیو بلانک، کارآفرین گفت: «امیدوارم

آسوشیتدپرس / لورن کوی

هشدار رئیس ناتو درباره درگیری احتمالی پوتین با اروپا



مارک روت، دبیرکل ناتو، پنجشنبه هشدار داد که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه می‌خواهد اوکراین را از روی نقشه محو کند و می‌تواند به سراغ دیگر بخش‌های اروپا بیاید، زیرا از اروپایی‌ها خواست تا دولت‌های خود را برای افزایش هزینه‌های دفاعی تحت فشار قرار دهند. روت به کارشناسان و تحلیل‌گران امنیتی در اندیشکده کارنگی اروپا در بروکسل گفت: «زمان آن فرارسیده است که به طرز فکری مشخص در زمان جنگ روی آوریم.» او گفت که «مردم باید کمربند خود را برای این چشم‌انداز ببندند که روسیه ممکن است سعی کند از «انبوه پهپادها» در اروپا استفاده کند، زیرا این امر تأثیر مرگباری در اوکراین دارد.»

روت گفت: پوتین «در تلاش است آزادی و شیوه زندگی ما را درهم بشکند.» نخست‌وزیر سابق هلند حملات روسیه به گرجستان در سال ۲۰۰۸، الحاق شبه جزیره کریمه اوکراین در سال ۲۰۱۴ و تهاجم همه‌جانبه‌ای که تقریباً سه سال پیش آغاز شد را خاطر نشان کرد. او گفت: «چند زنگ بیدارباش دیگر نیاز داریم؟ ما باید عمیقاً نگران باشیم. می‌دانم که چنین است.» روسیه برای رویارویی طولانی مدت با اوکراین و با ما آماده می‌شود. سخنرانی افتتاحیه روت کمی بیش از دو ماه پس از روی کار آمدن وی به عنوان بالاترین مقام غیرنظامی ناتو انجام شد. او از آن زمان در پایتخت‌های ۳۲ متحد، از جمله بازدید از آمریکا، مهم‌ترین عضو ناتو، برای دیدار با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب سفر کرده است. ناتویکی از حامیان سرسخت اوکراین بوده و به اکثر اعضای خود کمک کرده است تا تسلیحات، مهمات و سایر پشتیبانی‌ها را به داخل کشور انتقال دهند؛ اما بازگشت ترامپ و تعهد به پایان دادن سریع به جنگ،

در چهار تا پنج سال آینده در راه است آماده نیستیم. خطر با تمام سرعت به سمت ما در حال حرکت است.» روت افزود: «آنچه در اوکراین اتفاق می‌افتد می‌تواند در اینجا نیز رخ دهد و صرف‌نظر از نتیجه این جنگ، مادر آینده در امان نخواهیم بود مگر اینکه برای مقابله با خطر آماده باشیم.» روت از دولت‌ها درخواست کرد که «سفارش‌های بزرگ و قراردادهای بلندمدتی را که برای تولید سریع قابلیت‌های بیشتر و بهتر نیاز دارند، به صنایع دفاعی ارائه کنند.» او از این صنعت خواست تا تولیدات دفاعی در برابر پهپادها و دیگر تاکتیک‌های جنگی جدید را افزایش دهد.

او افزود که «آزادی بدون هزینه برای حدود ۱ میلیارد نفری که در منطقه یورو آتلانتیک زندگی می‌کنند، به دست نمی‌آید.»

«اگر اکنون برای جلوگیری از جنگ بیشتر با هم خرج نکنیم، بعداً بهای بسیار بیشتری را برای مبارزه با آن خواهیم پرداخت. نه میلیاردها، بلکه تریلیون‌ها یورو. این در صورتی است که ما بهترین باشیم و بخواهیم که پیروز شویم.»

<https://B2n.ir/mogheyatesh>

۲ درصد از تولید ناخالص داخلی را در بودجه نظامی خود اختصاص دهند، برسند؛ اما او افزود: «می‌توانم به شما بگویم، ما به بیش از ۲ درصد نیاز خواهیم داشت.» روت مجموعه‌ای از «اقدامات خصمانه» اخیر روسیه علیه متحدان ناتو را فهرست کرد، از جمله حملات سایبری، ترورها، انفجار در انبار مهمات «چک»، پارازیت رادارها در منطقه بالتیک برای ایجاد اختلال در ترافیک هوایی و «مسلم کردن» مهاجران برای بی‌ثبات کردن اروپا. «این حملات فقط حوادث مجزا نیستند. آن‌ها نتیجه یک کارزار هماهنگ برای بی‌ثبات کردن جوامع ما و دلسرد کردن ما از حمایت از اوکراین هستند.» آن‌ها بازدارندگی ما را دور می‌زنند و خط مقدم را به نزدیکی مرزهای ما می‌آورند.

فراتر از افزایش هزینه‌های دفاعی در اروپا، روت خاطر نشان کرد که ناتو اکنون ده‌ها هزار نیروی نظامی در آمادگی بالا در صورت نیاز برای دفاع از قلمرو متحدین دارد.

«با همه این‌ها، بازدارندگی ما خوب است البته فعلاً؛ اما من نگران فردا هستم و هشدار داد که ما برای آنچه

نگرانی‌هایی را در مورد تحمیل آتش‌بس نامطلوب در اوکراین ایجاد کرده است.

روت در پاسخ به سؤال آسوشیتدپرس که چقدر ممکن است یک توافق صلح ظاهری و نامرغوب آسیب‌رسان باشد، گفت: «توافق بد به معنای برتری پوتین است و این امر پیامدهایی را نه تنها در اروپا و اوکراین بلکه در سراسر جهان خواهد داشت.» او تأکید کرد که اوکراین باید در هرگونه مذاکرات صلح شرکت کند.

ترامپ به‌طور معمول شکایت می‌کند که متحدان آمریکا در ناتو به اندازه کافی برای دفاع هزینه نمی‌کنند. روت گفت که هزینه‌های نظامی روسیه احتمالاً به ۷ تا ۸ درصد تولید ناخالص داخلی آن در سال آینده خواهد رسید یعنی بسیار بیشتر از هر متحد ناتو، در حالی که صنعت دفاعی این کشور تانک، خودروهای زرهی و مهمات تولید می‌کند.

پوتین همچنین از حمایت متحدانی مانند چین، ایران و کره شمالی برخوردار است. روت خاطر نشان کرد که هزینه‌های دفاعی در اروپا به شدت افزایش یافته است و انتظار می‌رود ۲۳ متحد به هدف ناتو که

کوئینسی / آناتول لیون

سقوط اسد؛ شکستی برای روسیه!



سقوط دولت بعث در سوریه (دولت بشار اسد) یک شکست جدی برای روسیه (و یک فاجعه برای ایران) است. با این حال، اشتباه بزرگی است که فرض کنیم این امر ضرورتاً باعث موفقیت آمریکا می‌شود. در ادامه باید ببینیم کدام کشورها ضرر کرده‌اند. مسکو و واشنگتن ممکن است اکنون با چالش‌های مشابهی در سوریه روبرو شوند.

سه موضوع باعث شد روسیه برای نجات حکومت اسد در جنگ داخلی سوریه مداخله کند. اول، تمایل عمومی برای حفظ یک کشور شریک بود یعنی یکی از معدود کشورهایی که پس از سرنگونی رژیم‌های عراق و لیبی در روسیه باقی مانده بود که به تقویت نفوذ بین‌المللی مسکو کمک کرد. دوم تمایل به حفظ تنها پایگاه دریایی و هوایی روسیه در مدیترانه بود. سوم، ترس عمیق روسیه از اینکه پیروزی اسلام‌گرایان منجر به تبدیل شدن سوریه به پایگاهی برای ترور بسم علیه روسیه و شرکای آن در آسیای میانه شود. این نگرانی با حضور مبارزان متعدد از چین و دیگر مناطق مسلمان‌نشین روسیه در صفوف نیروهای اسلام‌گرا در سوریه و عراق افزایش یافت. امید مسکو برای حفظ یک کشور شریک اکنون به‌طور جبران‌ناپذیری از بین رفته است. در مورد تهدید تروریستی، باید ببینیم. با توجه به چالش‌های بزرگی که در بازسازی دولت سوریه با آن مواجه خواهد شد، حمایت رژیم جدید به رهبری هیئت تحریر شام [HTS] از تروریسم بین‌المللی دیوانه‌کننده به نظر می‌رسد و به‌عنوان بخشی از استراتژی کلی خود برای انکار گذشته خود به‌عنوان القاعده، ابو محمد الجولانی، رهبر تحریر شام، قول داده است که این کار را انجام ندهد. با این حال، در مورد توانایی هیئت تحریر شام برای کنترل متحدان خود و برخی از پیروان خود یک علامت سؤال وجود خواهد داشت. در افغانستان، طالبان وعده داده بودند که پس از بازگشت به قدرت از تروریسم بین‌المللی حمایت نکنند و ظاهراً به قول خود عمل کرده‌اند. با این حال، داعش خراسان [ISK] مستقر در افغانستان به فعالیت خود ادامه می‌دهد و به دلیل ترکیبی از کنترل ضعیف بر بخش‌هایی از افغانستان و عدم تمایل به درگیری جدید، طالبان نتوانسته است به‌طور کامل از این امر جلوگیری کند. این موضوع باعث می‌شود که پایگاه دریایی روسیه در طرطوس و پایگاه هوایی در نزدیکی لاذقیه باقی بماند. بر اساس گزارش‌ها، اسکادران روسی مستقر در طرطوس بندر را ترک کرده است. این مسئله می‌تواند یک تخلیه قطعی باشد یا یک اقدام احتیاطی برای دور نگه داشتن آن‌ها تا زمانی که روابط با رژیم جدید

پایگاه‌های روسیه برای ادامه فعالیت ببینند. با این حال، رژیم می‌که از شورش اقلیت می‌ترسد (و حمایت خارجی از چنین شورش است)، احتمالاً پایگاه‌های روسیه را به‌عنوان پشتیبانی بالقوه برای چنین شورش می‌بیند.

برای اینکه روسیه برخلاف میل دولت جدید سوریه پایگاه‌های خود را حفظ کند و با حمایت نیروهای محلی علوی و مسیحی، نه تنها مستلزم مداخله کشتی‌ها و هواپیماهای روسی است، بلکه مستلزم استقرار تعداد قابل توجهی از نیروهای زمینی است. با توجه به جنگ در اوکراین، بسیار بعید است که روسیه چنین نیروهایی را در اختیار داشته باشد. علاوه بر این، مانند فروپاشی سریع دولت افغانستان نیابتی آمریکا، روشی که در آن نیروهای دولتی سوریه در برابر نیروهای شورشی تحت رهبری هیئت تحریر شام از بین رفتند، به‌سختی روسیه را برای ادامه جنگ در سوریه تشویق خواهد کرد.

بزرگ‌ترین مسئله‌ای که آمریکا باید در نظر بگیرد، سرنوشت کردهای سوریه است. در طول جنگ داخلی سوریه، با کمک گسترده آمریکا و دولت نیمه‌مستقل کرد در شمال عراق، نیروهای کرد سوریه (حزب اتحاد دموکراتیک یا PYD) بخش وسیعی از شمال شرق سوریه، به‌طور قابل توجهی فراتر از قلمرو قومی اصلی خود را اشغال کردند. آمریکا چندین پایگاه و عملیات لجستیکی در منطقه دارد.

<https://B2n.ir/r16394>

روشن شود. گفته می‌شود پایگاه هوایی روسیه توسط نیروهای هیئت تحریر شام محاصره شده، اما مورد حمله قرار نگرفته است. گزارش شده است که توافقی بین مسکو و هیئت تحریر شام برای تضمین امنیت پایگاه‌ها صورت گرفته، اما اگر چنین باشد، این ترتیب ممکن است کاملاً موقتی باشد. با توجه به ماهیت بسیار پیچیده و نامطمئن روابطش با همه همسایگان سوریه، ممکن است منطقی باشد که رژیم جدید در دمشق اجازه دهد پایگاه‌ها باقی بمانند (شاید در ازای نفت و غذای روسیه) تا تعادل دیپلماتیک و گزینه‌های اقتصادی خود را حفظ کند. اما این موضوع به‌شدت با سیاست رژیم جدید در قبال اقلیت‌های قومی مذهبی سوریه که عموماً از رژیم بعث به دلیل ترس از ظلم اسلام‌گرایان سنی حمایت می‌کردند، مرتبط است (ترسی که کاملاً با سرنوشت وحشیانه جوامع آن‌ها در سوریه و عراق که به دست داعش افتاد توجیه شده است).

الجولانی قول داده است که برای این امر نباید انتقام گرفت، حقوق اقلیت‌ها رعایت خواهد شد و قوانین شدید اسلام‌گرایان سنی اعمال نخواهد شد. با این حال، حتی اگر او در مورد این تعهدات صادق باشد، ممکن است پیروان او احساس دیگری داشته باشند.

یک رژیم تحت رهبری هیئت تحریر شام در دمشق که می‌خواهد به علوی‌ها و مسیحیان اطمینان دهد، ممکن است علاقه خود را در اجازه دادن به

انديپندنت

برندگان و بازندگان سقوط بشار اسد



خدمت اسرائیل بوده‌اند؟

نکات دیگری نیز وجود دارد که بر احتمال دادن پاسخ مثبت به این سوال می‌افزاید. نکته اول: جمهوری اسلامی موفق شد تا ایران را که در ۱۳۵۷ دوست اعراب به شمار می‌رفت، به سرعت به صورت دشمن شماره یک آن‌ها درآورد. در سال ۱۳۵۷، حتی لیبی و یمن جنوبی کمونیست هم که سال‌ها با ایران دشمنی کرده بودند، در مسیر عادی‌سازی مناسبات خود با تهران قرار گرفته بودند. امروز اما به هر کشور عربی که سفر کنید و بپرسید کدام کشور را تهدیدی برای خود می‌دانید؟ پاسخ این خواهد بود: جمهوری اسلامی در ایران.

نگاه به ایران به‌عنوان دشمن یا تهدید شماره یک سبب شد که بیش از نیمی از اعضای اتحادیه عرب از جمله سازمان آزادی فلسطین رسماً یا عملاً اسرائیل را به رسمیت بشناسند و در بعضی موارد، مناسبات تنگاتنگ با دشمن دیروز خود برقرار کنند.

نکته دوم: شکل گرفتن جمهوری اسلامی به‌عنوان صادرکننده تروریسم و دشمن غرب، به اسرائیل امکان داد تا نقش ایران دیروز را از آن خود کند. این عبارت که «اسرائیل خط مقدم دفاع از دموکراسی و جهان آزاد است»، هم در اروپای غربی و هم در آمریکا، شنوندگان فراوان دارد.

پیش از پیدایش جمهوری اسلامی، هیچ دولتی

جدی در سطح نظامی نیست، بلکه خود نیز به سرزمینی بی‌دفاع تبدیل شده است. در سوریه، قیام ملی ۲۰۱۱ میلادی می‌توانست با سرنگونی نظام خانواده اسد آن کشور را در مسیر بازسازی به شکل یک دولت نیرومند و متکی به مردم قرار دهد و در نتیجه دست کم در درآمدت، خطری برای اسرائیل باشد. در آنجا نیز جمهوری اسلامی با دخالت نظامی، خرج کردن میلیاردها دلار و از سال ۲۰۱۴ به بعد با کشاندن روسیه به جنگ داخلی سوریه، مانع از آن شد که آن کشور بازسازی شود. یکی از پیامدهای دخالت جمهوری اسلامی، نابودی ارتش سوریه بود. در لحظه سقوط بشار اسد، سوریه فاقد یک ارتش به معنای واقعی بود. افسران و سربازان سوری حاضر نبودند حتی برای حفظ دولت خود بجنگند، چه رسد به اینکه خطری برای اسرائیل باشند.

موفقیت جمهوری اسلامی در نابودی دولت و ارتش سوریه به اسرائیل امکان داد که با بیش از ۵۰۰ حمله هوایی، تاسیسات زیربنایی سوریه را در هم بکوبد یا به عبارت دیگر، دندان‌های این کشور را برای آینده‌ای قابل پیش‌بینی بکشد. بدون کمک جمهوری اسلامی، اسرائیل ممکن نبود بتواند یکی از سرسخت‌ترین و دیرپاترین دشمنان عرب خود را به خاک سیاه نشاناند.

با این اوصاف آیا نمی‌توان گفت که رهبران پیشین و کنونی ایران دانسته یا ندانسته، در

در سال ۱۹۴۸ میلادی، اندکی پس از اعلام استقلال اسرائیل، ارتش‌های پنج کشور عرب به دولت نوپای یهودیان حمله کردند. این سرآغاز نبردی بود که تا امروز ادامه دارد. همانطور که انتظار می‌رفت، خنثی کردن ارتش‌های متجاوز مصر، اردن هاشمی، لبنان، سوریه و عراق به سرعت در راس اولویت‌های اسرائیل قرار گرفت. لوی اشکول، جانشین داوید بن گوریون، اولین نخست‌وزیر اسرائیل، تاکید کرد که «ما باید اعراب را هر چند وقت یک‌بار، به دندان‌سازی ببریم و دندان‌های آنان را بکشیم!»

در طی هفت دهه گذشته و پس از چندین جنگ کوچک و بزرگ، می‌توان گفت که دندان‌های مورد بحث کشیده شده‌اند. مصر و اردن هاشمی با نظارت آمریکا و از راه مذاکرات، با اسرائیل صلح کرده‌اند و دیگر خطری برای موجودیت آن کشور به شمار نمی‌روند. اما سه کشور دیگر یعنی لبنان، سوریه و عراق با دخالت یک بازیگر دیگر به دندان‌سازی کشانده شدند و بی‌آنکه در جنگ با اسرائیل شکست خورده باشند، ارتش خود، یعنی قابلیت آزاررسانی به دولت یهود، را از دست داده‌اند. این بازیگر، جمهوری اسلامی در ایران، به رهبری [آیت‌الله] خمینی و جانشین او [آیت‌الله] خامنه‌ای است که در طی نزدیک به ۳۰ سال، موفق شد ارتش‌های لبنان، سوریه و عراق را عملاً خنثی کند و با ایجاد دولت در دولت، هر سه کشور را در مسیری نامعلوم قرار دهد.

هشت سال جنگ با عراق و پس از آن دو جنگ دیگر عراق با ائتلاف بزرگ به رهبری آمریکا آن کشور را از ردیف دشمنان فعال اسرائیل خارج کرده است. مناطق کردنشین عراق از ۲۵ سال پیش دارای مناسبات تنگاتنگ با اسرائیل هستند. دولت بغداد نیز با آنکه هنوز رسماً با اسرائیل رابطه برقرار نکرده، به‌طور غیررسمی با آن کشور در ارتباط است. جمهوری اسلامی با ایجاد چهار گروه مسلح مزدور حشد الشعبی، نجبا، حزب الله و عصائب اهل الحق مانع بازسازی ارتش ملی عراق به صورت تنها نیروی قانونی مسلح شده است. در لبنان، جمهوری اسلامی با تاسیس حزب الله، نه تنها ارتش، بلکه تمامی ساختار دولتی آن کشور را به سطح اشباح سرگردان تنزل داده است. لبنان دیگر نه تنها خطری

انسانی، سیاسی و فرهنگی غیرقابل پیش بینی، همان نتایجی را به بار آورد که دخالت جمهوری اسلامی در آن کشور عرضه کرد.

از دید تحلیل گران، روسیه و جمهوری اسلامی دو بازنده اصلی اند. روسیه با سقوط اسد امکان باقی ماندن در دو پایگاه خود در طرطوس و لاذقیه را، دست کم در میان مدت، از دست می دهد. پایگاه‌هایی که همواره از درون زمین خود مورد تهدید قرار دارند، به سرعت ارزش نظامی خود را از دست می دهند. حفظ ۳ هزار جنگجوی مزدور گروه واگنر نیز هم خرج دارد و هم زندگی آنان را به خطر می اندازد. با این حال، وضع جدید ممکن است منافع نیز داشته باشد. روسیه خود را از یک بحران بی پایان و یک بازی بدون برد، بیرون می کشد و نیروی خود را برای نبرد در اوکراین و احتمالاً پس از آن در مولداوی، متمرکز می سازد.

معرفی رهبران ایران به عنوان بزرگ‌ترین بازنده کار دشواری نیست. بنا بر تخمین حشمت الله فلاحت‌پیشه، رئیس پیشین کمیته امنیت ملی مجلس شورای اسلامی، تهران نزدیک به ۳۰ میلیارد دلار در سوریه هزینه کرد. محسن سازگارا، یکی از مقامات پیشین جمهوری اسلامی که اکنون از منتقدان رهبر ایران است، تخمین دیگری در حدود ۵۰ میلیارد دلار عرضه می کند. این سرمایه‌گذاری عظیم با فرو ریختن محور مقاومت در لبنان و سوریه، دود می شود و به هوا می رود. تئوری «جنگ از راه دور» رهبران ایران با شکست کامل پایان می یابد. از این بدتر، بازگشت احتمالی هزاران جهادی مزدور از سوریه و لبنان به ایران می تواند مشکلی برای امنیت داخلی کشور باشد. در همان حال، جهادیان سوریه به محض مسلط شدن بر تمام یا بخشی از آن کشور، ممکن است در پی انتقام جویی از نیم میلیون سوری و بی خانمان کردن نیمی از جمعیت آن کشور سهم بزرگی داشت.

اما در یک نگاه دوم، سقوط اسد ممکن است فوایدی برای جمهوری اسلامی داشته باشد؛ از جمله صرفه‌جویی سالی ۳ تا ۵ میلیارد دلار که حتی اگر بخشی از آن دزدیده شود، بخش دیگر ممکن است برای بهبود وضع اقتصادی به کار آید. از این مهم‌تر، پایان افسانه صدور انقلاب و محور مقاومت ممکن است بخشی از هیئت حاکمه را از خواب بیدار کند و در مسیر پذیرفتن ضرورت تغییر ریشه‌ای نظام ورشکسته قرار دهد.

<https://B2n.ir/j43027>

پوسته خالی با دخالت جمهوری اسلامی و اندک اندک ورود ترکیه به عنوان یک سهم‌خواه از خوان یغما بود.

از دید تحلیل گران، برنده دیگر سقوط اسد، اسرائیل است. اما در اینجا نیز یک نگاه دوم می تواند احتمال دیگری را ترسیم کند. تردید نیست که اسرائیل با نابودی زیربنای نظامی سوریه، به ویژه کارخانه‌های ساخت سلاح شیمیایی، امنیت خود را تقویت کرده است. اسرائیل همچنین بخشی از بلندی‌های جولان را که نتوانسته بود در جنگ‌های پیشین تصرف کند، با یک حمله برق‌آسا ضمیمه کرده است. با این حال، در صورت تبدیل سوریه به یک سرزمین بی دولت و پیدایش مجمع‌الجزایری از پایگاه‌های کوچک و بزرگ تروریستی در آن کشور، اسرائیل ممکن است با دشمنان تازه‌ای روبرو شود که برخلاف دشمنان کلاسیک با سلاح‌های سنتی، می توانند ارتش کلاسیک اسرائیل را به برزخ جنگ‌های محدود و تروریستی بکشانند. در آن صورت، اسرائیل که نشان داده در جنگ کلاسیک شکست نخواهد خورد، ناچار خواهد بود تا دکتربین دفاعی خود را در جهت رویارویی با جنگ‌های غیرمنظم بازسازی کند. بعضی تحلیل گران ترکیه را نیز در ردیف برندگان قرار می دهند. ترکیه اکنون بخشی از مناطق مرزی سوریه را عملاً ضمیمه کرده است. با سقوط اسد، بازگشت بیش از ۴۰۰ شرکت ترک که در حلب سرمایه‌گذاری کرده بودند، محتمل به نظر می رسد. همچنین ترکیه می تواند بخش بزرگی از صادرات نفتی سوریه را با همکاری آمریکا به خود اختصاص دهد. از این مهم‌تر، نیروهای ترک و متحدان جهادی آنان در سوریه، نیروهای حزب پ ک ک، گروه مسلح کرد که ۴۰ سال جنگ علیه ترکیه را در زندگینامه خود دارد، از مرز دو کشور دور نگاه داشته شده‌اند. وضعیت کنونی به ترکیه و متحدان جهادی اش در سوریه امکان می دهد که پ ک ک را برای همیشه از صحنه حذف کنند.

در نگاه دوم اما، ترکیه درگیر وضعی نامعلوم می شود که ممکن است سال‌ها یا دهه‌ها ادامه پیدا کند. بیش از نیم قرن پیش، ترکیه با دخالت نظامی در قبرس امیدوار بود که پس از یک یا دو سال، با تثبیت اوضاع در آن جزیره، به هدف‌های خود برسد. اما ترکیه با حضور بیش از ۲۵ هزار سرباز و هزینه نزدیک به ۱ میلیارد دلار در سال، هنوز در قبرس درگیر است. به علاوه، دخالت ترکیه مهم‌ترین بهانه برای تعلیق عضویت آنکارا در اتحادیه اروپاست. درگیری بی پایان و پرهزینه در سوریه نیز می تواند ترکیه را با هزینه‌های

در واشنگتن حاضر نبود مانند امروز برای اسرائیل چک سفیدامضا صادر کند. امروز اما بایدن به صراحت می گوید: دفاع از اسرائیل، دفاع از آمریکا است! برای توجیه این نظر، یک اشاره به جمهوری اسلامی کافی است؛ نظامی که با اقدامات تروریستی در آمریکا و تقریباً تمامی کشورهای اروپای غربی و با مبالغه درباره «صدور انقلاب» و تبدیل کاخ سفید به حسینیه، نقش لولوخور خوره را بر عهده گرفته است.

نکته سوم: لولوخور خوره اسلامی همچنین به قدرت‌های غربی امکان داده است که کل غرب آسیا را به صورت بزرگ‌ترین بازار خرید اسلحه بازتعریف کنند. حتی مصر از نان شب خود می زند تا با این ادعا که حضور ایران، غرب آسیا را به خطر می اندازد، تازه‌ترین جنگنده‌های فرانسوی را بخرد؛ در حالی که خود جمهوری اسلامی نه تنها فاقد نیروی هوایی است، بلکه قابلیت دفاع از فضای آسمانی خود را نیز ندارد.

نکته چهارم: موفقیت رهبران در تبدیل ایران به یک کشور فقیر، منزوی و بحران‌زده نیز به معنای بیرون نگاه داشتن جمهوری اسلامی از همه برنامه‌ها برای بازسازی موازنه قدرت‌ها در غرب آسیاست. نتیجه کار، افزودن بر اهمیت دیگر قدرت‌های محلی به ویژه ترکیه و اسرائیل است. دو کشوری که به رغم مشاجرات عاشقانه گاه‌به‌گاه، در همه زمینه‌ها از جمله در تسریع سقوط نظام اسد همکاری نزدیک داشته و شریک فعال آن دو کشور بود.

آیا اکنون می توان برندگان و بازندگان سقوط از اسد را مشخص کرد؟ در حال حاضر، نظر عمومی تحلیل گران این است که نخستین برنده در این ماجرا مردم سوریه هستند و اولین بازنده، جمهوری اسلامی است.

اما اگر از این نخستین نظر بگذریم، احتمال دیگری شکل می گیرد که تجربه تاریخی اخیر در چندین کشور نمایانگر آن است. در افغانستان، سقوط دولت کمونیستی دکتر نجیب‌الله با شادمانی عمومی روبرو شد، اما نتیجه آن ۱۰ سال جنگ داخلی میان گروه‌های اسلام‌گرا و پس از آن پیدایش القاعده و سرانجام تسلط طالبان و پس از حمله آمریکا، ۲۰ سال برزخی و در پایان، بازگشت طالبان بود.

در عراق، حمله ائتلاف جهانی و سقوط صدام حسین بزرگ‌ترین مانع در راه حرکت این کشور به سوی دموکراسی را از میان برد، اما نتیجه پیدایش خلافت اسلامی و یک دهه جنگ داخلی و سرانجام تبدیل دولت بغداد به یک



رصد و ترجمه اندیشه‌های آمریکایی مختص مطالعه نخبگان



سوریانس
مرکز مطالعات

SouriancSS.com